

تجربه‌ای دیگر

برای گفت‌وگو

درباره معماری و معماری ایران

در

مجله تجربه

نوروز ۱۴۰۳

A collage of various faces, including men and women, is superimposed on a brick wall background. A large, multi-colored rainbow circle is drawn on the right side of the image. The faces are rendered in a high-contrast, almost stencil-like style. Some faces are partially obscured by the rainbow circle. The overall composition suggests a theme of diversity and social issues.

یادبود نام‌های بزرگی که ۱۴۰۲ از ما گرفت

چه کسی گفت که آن زنده‌ی جاوید بمرد؟

نوروز: آستانه‌ی سالی نو
معماری: آغوش حالی نو





محمدرضا حائری مؤلف کتاب
معمار (برای اجتماع)

معمولاً هنگامی که از هنرشناسی نوروز و معماری سخن به میان می‌آید، در ذهن و یاد علاقه‌مندان به هنرشناسی نوروز و معماری، داستان پادشاهی چمشید و بناهای تخت جمشید نهاده می‌شود. این دو پدیده شنیدنی، یعنی نوروز و معماری، در طی زمان، قرن‌ها و قرن‌ها سفر کرده و به امروز رسیده‌اند. مسئله این است که در این سیروسلوک نوروز و معماری، نوروزیت نوروز برجای مانده اما معناریت معماری عمدتاً دگرگون شده؛ اگرچه دگرگونی در معماری امری است جهانی، اما نه به این شدت و وسعت که در کشور ما رخ داده و معنای معماری را تا آخرین درجه از کیفیت تهی کرده است.

در این سیروسلوک، پیش از رسیدن به قرن گذشته، معماری محصولی بود از ترکیب یکپارچه‌ی عناصر و مصالح برخاسته از سرزمین، از زندگی و از معنا، که به‌طور طبیعی در جغرافیای هریک از تمدن‌های کهن سال ساخته و پرداخته می‌شد. امروز نیز، ساخته‌هایی به ساخت معماری وارد می‌شوند که ترکیبی آگاهانه از عناصر و عوامل تاریخی و جغرافیایی و فرهنگ اقتصادی-اجتماعی جوامع هستند؛ و این وضعیت درحالی‌ست که در سطح مدیریت کشورها، مسئولان اقتصاد، سیاست، معماری را به‌رسمیت بشناسند و در نتیجه‌ی این به‌رسمیت شناختن، شعور اجتماعی نیز با معماری رشد می‌یابد و سازمان فضایی شهر و روستا آگاهانه شکل می‌گیرد و بدین ترتیب نه تنها محیط طبیعی حفظ و احیا که کیفیت نیز در محیط مصنوع پدیدار می‌شود.

معماری یکی از توانایی‌های بشری‌ست که در طول تاریخ به‌همراه ساختن پدیدار شده و این توانایی عبارت است از نظم‌دهی آگاهانه‌ی فضا.

اسطوره‌هایی که متعلق به جامعه است؛ و این هر دو یعنی وجه عیان و نهان در همه‌ی بناهای صاحب معماری نمود داشته و قابل شناسایی بوده‌اند.

در هر دوره از تاریخ بشری چگونگی معماری مورد استفاده‌ی اقوام ساکن بر جای جای کره‌ی خاکی از جلوه‌های مشخصی برخوردار بوده است. این روال یعنی برخورداری جامعه از معماری‌های متنوع و مشخص، قرن‌ها و قرن‌ها ادامه داشت تا این‌که با توجه به دگرگونی‌های برخاسته از تحولات جهانی نظام سرمایه‌داری و استعمار، معماری دچار وضعیت بحرانی‌اش شد. به مسئله در آمدن و ایجاد بحران در مسیر تحقق معماری در تمدن‌های کهن سال - یا توجه به استبداد حاکم بر آن‌ها - پدیده‌ای است تازه، که عمر آن در کشورهای مختلف از یکی دو قرن تجاوز نمی‌کند. نکته‌ی درخور توجه آن‌که به‌خاطر خصلت‌های معماری این ایزه و همرهان‌اش یعنی ساختن و مصالح، با توجه به برخورداری از معانی استواری «برای معماری»، شکل‌گیری «برای ساختن» و صلح «برای مصالح»، بیرون از قلمرو ساختوساز، معنی و کاربرد یافته‌اند.

در کشور ما تا یک قرن پیش معماری سیر طبیعی خود را طی می‌کرد و استبداد مانع بروز معماری نمی‌شد. در این مسیر طبیعی بناها و فضاها ساخته‌شده در شهر و روستا در ترکیبی آگاهانه و با استفاده از مصالح و عوامل سرزمینی و زندگی اجتماعی و معنای فرهنگ ساز، تحقق معماری را طی می‌کردند. از اواخر دهه‌ی ۱۳۳۰ و اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰ شمسی، معماری با سرعتی باورنکردنی از صحنه‌ی شهرها و روستاها حذف شد و ساختمان‌سازی بر جای معماری نشست. از دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ تا امروز، ساختوساز و ساختمان‌سازی در مله‌ای وسیع و گسترده، اصلی‌ترین نماینده‌ی توسعه‌ی کالبدی کشور و مهم‌ترین راحل برای فرار از بحران بی‌کاری و بول شویی محسوب می‌شود.

و فضاها علاوه بر استفاده از مصالح ساختمانی عصر خویش، هم‌زمان و هم‌مکان، از دو گونه مصالح دیگر استفاده می‌کردند. این دو گونه مصالح عبارت بودند از: مصالح جان‌بخش شامل نور، آب، درخت، چشم‌انداز و از این قبیل؛ و مصالح اجتماعی شامل خرب، اشراف، تاسبات طولی، عرضی و ارتقایی معنادار، صرفه‌جویی در مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر و از این قبیل. اکنون اکثریت قریب‌به‌اتفاق ساختمان‌ها عمدتاً از مصالح ساختمانی شکل می‌گیرند و ساخته می‌شوند و استفاده از دو گونه مصالح دیگر یعنی مصالح جان‌بخش و مصالح اجتماعی در ساختمان‌ها به حداقل و صفر رسیده است. بدین ترتیب در میان درباری ساختوسازها به‌ندرت قلمرویی از معماری قابل مشاهده است.

برای تشخیص حضور معماری در بناها به‌منظور توانایی سازمان‌دهی آگاهانه‌ی فضا در شهرها و روستاهای کشور، وجود این دو ویژگی ضروری است:

اول آن‌دسته از بناهایی که در عیان و نهان‌شان، عناصر و مصالحی از سرزمین، رنگی و معنای اجتماعی- فرهنگی را جمع و نمک کرده‌اند.

دوم آن گروه از بناها و عمارت‌هایی که هنگام طراحی و ساخته‌شدن، هم‌زمان و هم‌گانه از سه‌گونه مصالح یعنی مصالح ساختمانی، مصالح جان‌بخش و مصالح اجتماعی استفاده کرده‌اند.

برغم ثبت دو ویژگی فوق در مورد وجود و نیز معماری از نامعماری، مناسب است کمی بیش به فرق‌های موجود در معماری و ساختمان‌سازی پرداخته شود.

تفاوت‌های ساختمان‌سازی با معماری
از دهه‌ی ۱۳۵۰ که وارد دانشکده‌ی معماری شدم این جمله‌ها از زبان مردم، مسئولان و متخصصان، به‌شکلیت از آن‌چه ساختمان در شهر و روستا ساخته می‌شود، شنیده می‌شد:

معماری فرا گرفته است. نان چاکه ریشه‌های به مسئله در آمدن و ایجاد پسران در وضعیت ساخت‌وسازهای معاصر امروز ما، نه معماری مدرن است، نه تقلید از غرب است، نه سنت‌گرایی است، هیچ‌کدام. مسئله و پسران به سازوکارهای مربوط است که به بیرون داده شدن معماری از درون ساخت‌وسازهای معاصر منجر شده است. سایر کشورها نیز درگیر این وضعیت شده‌اند. تقریباً در اکثر شهرها و کلان‌شهرهای معاصر، ساختمان‌سازی حضور معماران را به صورت محدود کرده است. در بسیاری از مراکز استان‌ها و مراکز شهرستان‌های کشور، اقتدار ساختمان‌سازی بر معماری کاملاً آشکار است. اکنون درد و رنج ناشی از اشیاء شهرها و روستاها، مزارع و جنگل‌ها از ساختمان و تفکیک زمین برای فروش، تجربه مشترک همه ما است. این‌گونه ساختمان‌سازی که دست‌آورد «سرمایه‌داری» یا قانون رانت‌خوار است، تا آن‌جا پیش رفته که می‌تواند در هر کجای این سرزمین ایران به هر مقدار و به هر شکل که بخواهد بسازد.

تحقق معماری به عنوان شکل‌دهنده محیط مصنوع، با حفظ منافع عمومی و تحکیم محیط طبیعی همراه است. درحالی‌که ساختمان‌سازی با منافع خصوصی و منافع خیلی خصوصی همراه است. ساختمان‌سازی حداقل سه گونه سرمایه‌ری می‌باشد:

۱- سرمایه‌های طبیعی، ملی را آن هم با ساختن روی جنگل‌ها، باغ‌ها، اراضی کشاورزی، حریم رودها و دریاچه‌ها و کوه‌ها و کوپه‌ها و ایل‌ها و مناظر طبیعی.

۲- سرمایه‌های فرهنگی، ملی که به میراث فرهنگی معروف شده است آن هم با ساختن بر آثار تمدنی و تاریخی.

۳- سرمایه‌های اجتماعی با ساختن در محله و سکونت‌گاه‌هایی که سال‌هاست جامع محلی در آن‌ها ساکن اند و براساس قدمت سکونت و همسایگی انواع حمایت‌های مادی و معنوی در میان‌شان جاری بوده است.

در تعدادی از کشورهایی که سرمایه‌داری از قوانین و حقوق اجتماعی تبعیت می‌کند، تناسب میان ساختمان‌سازی و معماری متعادل‌تر است.

شعور اجتماعی شکل یافته نان چاکه جنبش پست‌مدرنیسم به عنوان جریان مبارز و انتقادی- پراغم تأکید بیش از اندازه بر رف و ارجاع صوری به گذشته- کوشش کرد تا معماری به مقام و جایگاه شایسته خود بازگردد. پست‌مدرنیسم خود بخشی از جنبش مدرن به حساب می‌آید و تا اندازه‌ای موفق شد همانند جریان‌های نوآرنگر و نوستلرگا، چند صای چهره فضاها را در شهری را درگرو کند و مسیرهای تازه‌ای را در برابر ساختمان‌سازی بگشاید.

معماری در طول تاریخ تحولات بشری، جریانی اجتماعی و بخشی از شعور و وجدان جامعه بوده و هست. نبود معماری، تلک یکی به وضوح و رنگی- اجتماعی- میراث است. معماری تحکیم‌کننده‌ی منابع طبیعی و تشویق‌کننده‌ی روابط اجتماعی است. آن‌چه عیان است، ساختمان‌هایی که چندبار ساخته می‌شوند و

نوروزیه معمار

محمدرضا حائری مازندرانی

ای آنکه خداوندگار خرد و جانی و درگروکننده قلبها و دیدگان و خالق شب و روز و گردش روزگارانی همچنان که ما را به یزله می‌تکلی در این نوروز بی‌نظیر جاودانی حال و هوا و جان ما را به هم در آمیز در اقلیم عشق و آگاهی و مهریانی در اقلیم عشق و آزادی و مهریانی در اقلیم عشق و آبادی و مهریانی ای خداوندگار «نوروز» بیانی جاودانی

ای آنکه سازنده‌ی جان و جهانی ای آنکه پدیدآورنده‌ی زمین و آسمانی ای آنکه ما را دیده‌بانی و دل‌نگرانی در این نوروز بر خلوت خوش‌ملم که آورده با خود جلوه‌های جانیی شهرها و بناهای ما را آنچنان نظام بخش که می‌دانی و ما را بخش از این همه نادانی و ناتوانی

سال‌های ۱۲۰۰ تا ۱۲۲۰ در ایران ساخته شده‌اند و بناهایی که بعد از ۱۲۲۰ ساخته شده‌اند نگاه کنی، می‌توانی تفاوت‌های معماری و ساختمان‌سازی را بهتر درک کنی. هر یک از بناهای شکل گرفته در سه دهه‌ای قرن چهارده شمس، امکانی بلافضلی از تاریخ، بوم و نشانه‌های معنای هستند. سازمان‌هایی فضا در این بناها مفاهیم و حالات انسانی را در خود منکس کرده‌اند. اگر مبتنی بر سنت می‌باشیم، مسجد- مدرسه یا مسالار نجرهاش بود؛ اگر مبتنی بر تاریخ باستان می‌باشیم، کاخ شهربانی و کاخ وزارت امور خارجه در میدان شفق حاصل می‌شد؛ اگر مبتنی بر بوم می‌باشیم، شمس‌العماره از آب درمی‌آمد؛ اگر نظامی می‌باشیم، مجلس ملی حاصل می‌شد؛ اگر با رعایت گذشته مبتنی بر نوآوری می‌باشیم، کاخ دانشگاهی، وزارت امور خارجه، موزه‌ای ایران باستان ساخته می‌شدند. خانه معماران این بناها ایرانی یا تهرانی یا آلمانی یا فرانسوی بودند، به هر صورت جلوه‌ای از معماری معاصر متعلق به ایران پدید می‌آمد و توجه می‌شدیم که معماری ایران در آن چند دهه‌ی اوایل قرن چهارده شمس، ترجمه‌ی فضایی خوانا از تاریخ و بوم و شیوه‌ی زندگی عصر خود بودند.

در یک قرن گذشته در ایران، هرچه از دهه‌های ابتدایی قرن چهارده شمس دور می‌شویم، شهرنشینی گسترده بدون زیرساخت و تجهیزات برنامه‌ریزی‌شده با شتاب صورت گرفت. در غیاب امکانات، نظارت و برنامه برای توسعه، توسعه‌ی شهری و روستایی، شرایط بسیار مساعدی برای ساختن بدون معماری فراهم شد. از سال‌های ۱۲۵۰ به‌ویژه از دهه‌های شصت و هفتاد به بعد، در میان دریای ساخت‌وسازها روی جنگل‌ها و باغ‌ها و کوه‌ها و تپه‌ها و فطرات معماری اندک‌تر و اندک‌تر می‌شوند. به موازات غیبت معماری، کیفیت‌های زیستی مرتبط با محیط مصنوع به شدت آسیب می‌بینند.

تجربه‌های زیستن در تمدن‌های کهن سال، بهره‌برن و نمونه برداشتن از دست‌آوردی تمدنی معماری ایران، کوشش علاقه‌مندان به تکشف توانایی‌ها و ثبت دانش‌های مرتبط با معماری ایران، معماران و معماران گذشته و آینده



ماهدی افشار
معمار و شهرساز

دارای ویژگی‌های منحصر به فردی هستند که در فصول مختلف سال نیز با شرایط منطقه سازگار بوده‌اند.

متخصصان مدیریت بحران به‌طور مشخص سه مرحله برای اسکان پس از واقعه در نظر می‌گیرند: اسکان اضطراری (به‌مدت دو هفته)، اسکان موقت (به‌مدت حدود دو ماه) و اسکان دائم. در ژرفای کرمانشاه شاهد بودیم که بلافاصله پس از وقوع زلزله سازوکار ساخت سرنشانه بومی با حضور متخصصان با تجربه و داوطلب با نگاه دقیق به دانش‌های بومی نظیر «کبر» و «کولمان» که دو شیوهی برپایی فضای سرپوشیده بوده‌اند اما معمولاً برای استفاده‌ی آغل برپا می‌شدند، به‌ایده‌ی دست یافتند. این نوع سرنشانه می‌توانست مجدداً به‌کارگرد قبلی خود بازگردد و به‌جای چادرهای آسیب‌پذیر برپا شود و در نوع خود به‌عنوان مرحله‌ی اسکان موقت قابل استفاده باشد. این ایده با حضور تسهیل‌گران داوطلب در محل به‌عمرام مردم محلی و نقل سینه‌به‌سینه‌ی تجربه‌های بومی از بزرگ و کوچک مسیر خود را پیش راند و از طرفی دیگر مشارکت اهالی در ساخت سرنشانه و یافتن راه‌های بروز رفت از بحران به‌وقوع سریع‌تر و بهتر نتایج روحی اهالی منطقه هم‌کم کرد، چرا که در شرایط بحران پس از واقعه، شوخ مداخله‌ی تسهیل‌گران و کمک‌ها از سوی منابع بیرون از منطقه تأثیرات قاطع دارد. این تجربه می‌تواند از این‌س برای تونل‌مهندسازی و خودسازی پس از بحران با تکیه بر دانش بومی روستایی استفاده شود. این دیدگاه، یعنی به‌نشیستی دست‌آورد‌های تمدنی (دانش بومی) و دیگر مازومات تمدنی (کاتکس و سایر تجهیزات مشابه) برای گروه‌های آسیب‌پذیر می‌تواند با سرعت بیش‌تری یعنی، امنیت و سلامت را فراهم آورد.

در همه‌جا گذشت و پس از وقوع بلای طبیعی شاهد بودیم که جمعیت کثیری از هوطنان مان برای کمک از روش‌های مختلف، نظیر جمع‌آوری منابع چشم‌گیر مالی، اقدام به خرید و ارسال کاتکس به مناطق بحرانی کرده‌اند. درحالی‌که به‌عنوان مثال در کرمانشاه هزینه‌ی هر دوکانس برابر با یک خانگی ساده بوده است که این مبلغ می‌توانست برای تأمین اسکان دائم افراد خسارت‌دیده استفاده شود. به گزارش یاری‌سازان مستقر در منطقه، چادر و کاتکس از نظر آسایش و ایمنی، فرق زیادی با هم نداشت‌اند و حتی اگر دو دچار نقاط ضعف مشابهی بوده‌اند، پس از گذر

قصه‌ی همیشگی خواب بی‌موقع تنه‌پزین، پیش از رسیدن عمو نوروز، برای ما عادی شده است. درحالی‌که کودکان موقع شنیدن این داستان دل‌شان می‌خواهد آخر قصه تنه‌پزین هنگام آمدن عمو نوروز، به‌دار و جشن و سرور و پای‌کوبی برپا شود. ذات بویا و خالسی و چهما و امیدواری همیشگی به‌سازندگی در بازی‌ها، آن‌ها را اندام به‌برهم‌چیدن اسباب‌بازی و خراب‌کردن و دوباره ساختن ترغیب می‌کند. ما بزرگ‌ترها سخت می‌توانیم از پس چالش‌های روزگار از خواب غفلت بیدار شویم و اطراف‌مان را درست بسازیم. عمو نوروز و روز نویی لازم داریم تا بیدار بمانیم و کار را آغاز کنیم.

سال‌هاست در مقابل بلایای طبیعی در بسیاری از حوزه‌ها در خواب هستیم و هرآن‌چه انجام می‌دهیم در نقطه‌ی مقابل مدیریت بحران است. البته در این میان افراد باهوش و هوشی که عموماً «خوب‌شکار» و «خیر» نبوده‌اند به‌فکر یافتن راه‌حل‌های صحیح برای سامان‌دهی در حوزه‌های بومی، به‌عنوان هیکار دولت، فعالیت‌های شایانی کرده‌اند که به‌دلیل حمایت‌نشدن از سوی ارگان‌ها و مسئولان ذی‌ربط، در میان رله باز مانده‌اند. در صورتی‌که ضرورتی‌ست دولت برای توسعه و شبکه‌سازی گروه‌های داوطلب و سازمان‌های مردم‌نهاد در سطح ملی ابراز‌های لازم را اندازد. بییند البته همیشه نباید منتظر اقدام مراکز دولتی بود و گروه‌های داوطلب می‌توانند به‌لحاظ آزادی انتخاب، روش و فارغ بودن از مراحل اداری دست‌وپاگیر، اقدامات عاجل را شروع کنند. بهترین حالت آن است که قبل از وقوع حادثه، مدیریت بحران مجموعه‌ی نیروهای داوطلب و دیگر را به‌صورتی یک‌پارچه برای مواجهه با بحران هماهنگ کند.

در عین حال به‌لحاظ سابقه‌ی اقلیمی و زمین‌شناسی سرزمین ایران، پیشینیان ما را کارهای بومی و تجربه‌های برای مواجهه با بلایای طبیعی داشته‌اند. آن‌چه به‌عنوان دانش معماری بومی در حوضه‌های ابریز شش‌گانه‌ی ایران می‌شناسیم



نوروز، امری اجتماعی معماری، امری اجتماعی

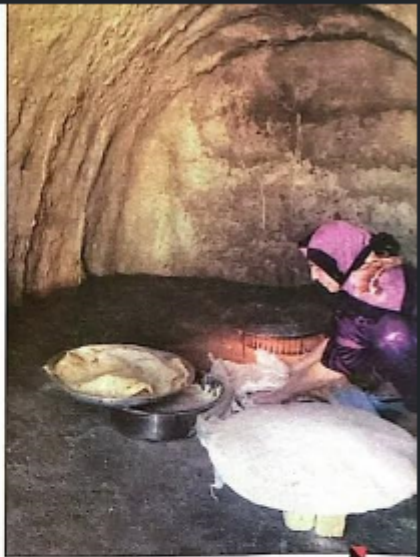


مهرداد کوشش
معمار و شهرساز

نوروز با وزگانی چون اعتدال بهاری، نو شدن، منفعت طبیعی، گرد هم آمدن و از این قبیل عجبین اسسته نوروز تجلی یکی از رسوم قدیمی ایرانیان است؛ تجلی فرهنگ نیکی، پاکی، مهرپایی، مشارکت و نزدیکی و دورهمی. این وضعیت را می‌توان به طراحی آگاهانه‌ی طبیعت تعبیر کرد از آن جاکه معماری با غیر اجتماعی همدار بوده خود جریانی اجتماعی محسوب می‌شود و در هر دوره، به فراخور نیازهای نوو تغییرات ضروری هر دوره، خود را از نو سازمان دهی می‌کند. از دیرباز این کشور کهن سال از فرهنگ مشارکتی بسیار غنی بالقوه و باافضل برخوردار بوده و معماری نیز به‌شیوه‌های اجتماعی و مشارکتی شکل می‌گرفته است. به‌علاوه به مناسبت این اعیاد مردمان میان گرد هم می‌آمدند و مشکلات و مسائل‌شان را با همدلی و کارگروهی مبتنی بر دانش بومی، تسهیل و حل می‌کردند اما در حال حاضر این شیوه‌ی اجتماعی کم‌تر با به‌غدیرت رواج دارد کاستی گرفتن این شیوه از حل مسائل اجتماعی به بی‌توجهی به بوم و سرزمین، و نیز بی‌توجهی به منفعت عمومی منجر و باعث شده است خرد جمعی کم‌اهمیت شود و کارهای گروهی و حرکت‌های اجتماعی در جامعه حشوری رنگ‌پرگ داشته باشند.

مطلب از این قرار است کمیکی از ویژگی‌های خرد جمعی و کارهای مشارکتی، پرداختن به یاری‌گری و کارهای داوطلبانه است. مشارکت‌های داوطلبانه امروزه اهمیت جهانی یافته تا جایی که یک روز از سال به روز جهانی داوطلب اختصاص داده شده است (۱۵ دسامبر)، اما معاداران ضروری است که در این سال نوبه اهمیت کارهای داوطلبانه توجه کم‌تر، نه تنها به رسم هر ساله خانه‌امان را خانگی کنیم بلکه بهشت، اندیشه و دیدگاهمان را هم خانگی کنیم و یکوشم بهشتی از ساعات طراحی خود را معروض مشارکت در منافع عمومی کنیم.

از آن جاکه فعالیت‌های داوطلبانه پیشی نو، اندیشه‌ی نو و دیدگاهی نو می‌طلبد، افرادی که در این حوزه‌ها همدار می‌شوند با نگاهی نو و متفاوت با در این عرصه می‌گذارد. با در نظر گرفتن این موضوع که معماری حرکتی اجتماعی است، حضور معماران در عرصه‌هایی که برای منفعت عمومی و جمعی ارزش قائل‌اند، می‌تواند کیفیت زندگی را ارتقا بخشد معماری کار گروهی است برای رسیدن به یک اثر یک‌پارچه، هم‌آهنگ و با کیفیت. بیلد تخصص‌های مختلف کنار هم قرار گیرند در نتیجه حضور معماران در بین همان اجتماعی که به‌طور داوطلبانه در امر ساخت‌وساز، عمران و آبادی در سطح کشور مشغول ساختن مدارس، بیمارستان‌ها و دیگر فضاهای عمومی هستند، می‌تواند ثمربخش باشد.



استفاده از فضای کبر برای مدخل



کبر به عنوان آفل

زمان، هر کارگاه‌های مختلفی هم پیدا کردند نظیر کلاس درس مشرب



محدثه میر دروگود
معمار و مرمت‌گر

در گذشته در پی پشت احداث بناها، آرمان‌های خیال‌انگیزی چون باغ و بهشت و ایوان نهفته بود. صاحبان بناها، معماران و بناها تلاش می‌کردند عمارت و درخت و آب را آن چنان بهم درآیند که احساسی از بهشت به حاضران و ساکنان آن بناها دست دهد. احساس آرامشی که هم چنان در بناها گذشت سال‌های طولانی مانده و کثیرتر کسی وجود دارد که در این بناها این حس خوب و آرامش را تجربه نکرده باشد. در مرمت بناهای تاریخی و قدیمی در تمدن کهن‌سالی مانند ایران بی‌شک با هزاران سال فلسفه و تفکر مواجه می‌شویم که از نسلی به نسلی منتقل شده است. قرن‌هاست که ترمیم بناها امری طبیعی محسوب می‌شود و ما به عنوان ناظران امروز به خاطر یکبارچه شدن ترمیم‌ها کمتر متوجه می‌شویم که این بناها مرمت شده‌اند. بی‌تردید یکی از مهم‌ترین موضوع‌ها در مرمت استفاده‌ی درست و شایسته از مصالح جدید و امروزی است که در کنار مصالح گذشته قرار می‌گیرند. تعجب نباید کرد اگر گفته شود گاهی مرمت خود آسیب‌ی بیش‌تری به بنا وارد می‌کند، در این‌گونه موارد بناهای قدیمی و تاریخی تعمیر می‌شوند اما بقیین مرمت نشده‌اند. اولین مواجهه در مرمت و بازسازی خانه‌ها و بناهای تاریخی و قدیمی شناخت مصالح قدیمی است.

در لغت‌نامه‌ی دهخدا در معنی مصالح آمده است: (م) [ع] (ج) مصالحه. نیکوچه. (متهی‌الآرب) (غیثات) (تألیف الانبیاء)، ج مصلحت به معنی صلاح و خیر کار. آن چه موجب آسایش و سود باشد. بی‌تردید استفاده از واژه‌ی مصالح که خود به معنی شایسته و نیکوست، به معنی استفاده از آن چه شایسته و سزاوار در ساخت بناست و متضاد با مضار و مضرت، خود این واژه به نیکو گواه این امر مهم در ساختمان‌سازی است. در مرمت و بازسازی بناهای قدیمی انتخاب شایسته‌ی مصالحی که استفاده می‌شود بسیار حائز اهمیت است. امروزه مرمت

خانه‌های قدیمی بسیار محل توجه قرار گرفته است، یکی از چالش‌های مرمت این خانه‌ها چگونگی مواجهه با مصالح قدیمی در کنار مواد و مصالح جدید است.

اما چیزی که بعد از مرمت بسیاری از خانه‌های قدیمی می‌بینیم مجادله و جراحی است نه مصالحه و ترمیم. به نحوی که قلدرانه و فخروروشانه مصالح قدیمی را است و نابود یا در می‌نایمیم و مصالح جدید را بدون صلاح و شایستگی به‌مانند جراحی که قبلی جراحی را در دل بیمار جا می‌گذارد، در دل دیوارها ساختمان‌های قدیمی جا می‌گذاریم؛ بدون شایستگی و سزاواری، بدون انضال و همتی، انگار فراموش کرده‌ایم بنایی که بیش از تمام بناهای امروزی استوار در برابر حمی بلایای طبیعی و انسانی پای‌جا مانده‌اند به خاطر صلح و پیوستگی و سزاوار بین تمام مصالح و فضاها می‌معماری است. برخوردی که امروز در مرمت شاید هس‌تیم بیش‌تر شبیه قصاصی دیوارها و قلدرانه جاک‌زدن مصالح امروزی است. درحالی‌که معماری ما دارای دانش هزارساله‌ای در استفاده‌ی درست، سزاوار و شایسته و صلح بین مصالح در تمامی مراحل شکل‌دهی و ساختن عمارت بوده است. به‌مانند بنایی که هنگام یکبار کشیدن می‌ایستد و می‌بیند کجای کار اشتباه کرده است، لحظه‌ای بایستیم و ببینیم کجای کار، این صلح تبدیل به جنگ شده است. بی‌تردید حلقه‌ی مفقود شده در این بین بی‌توجهی به اصل احترام به دانش مصالح گذشته، انضال بین مصالح به‌کاررفته در بنای قدیمی و مصالح جدید است. موضوع بسیار مهمی که نیاز به پرداخت درست و دقیق علمی دارد.

هم‌چنین نبود درایت و دانش کافی متخصصان در امر مرمت و تاریخ معماری و نگاه تحلیلی‌گر به مسئله‌ی مداخله و گاهی غیاب تخصصی مرمت از مشکلات در چنین پروژه‌هایی است. در بعضی موارد شاهد تقابل دیدگاه‌ها هستیم، دیدگاه‌های محافظه‌کارانه‌ی صرف از طرف متخصصان مرمت و دیدگاه‌های معماران نوگرا بدون توجه به وجوه تاریخی و مفهومی، از دیگر مسائل موجود در این امر حضور پیمان‌کارانی است که به خاطر منفعت شخصی در این روند از مصالح غلط و بی‌کیفیت استفاده می‌کنند و متأسفانه متخصصان سبیل‌انگازانه با آن‌ها هم‌سو هستند یا در نبود آگاهی، مشکلی در این روش نمی‌بینند.

